



امروز ما

ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان

۱۳ ربیع الثانی ۱۴۱۸ هـ ق

۱۷ اگست ۱۹۹۷ م

پنجشنبه ۲۶ اسد ۱۳۷۶ هـ ش

شماره شصت و نهم

اگر مبارزه مجاهدین برای خدا

باشد پیروزی واقعی بدست

خواهد آمد

غاز روح بخش و وحدت آفرین جمعه این هفته در بامیان با شرکت اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی، دوایر حزبی، علما، طلاب، اساتید دانشگاه، بامیان، محصلین، دانشجویان، جمعی از قوماندها و با حضور گسترده مردم شریف این شهر به امامت حضرت آیه ۱ ... پروانی رئیس شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان، امام جمعه بامیان، در مسجد جامع رهبر شهید با شکوه هر چه قاطعتر اقامه گردید.

امام جمعه بامیان در خطبه اول غاز ضمن توصیه مردم به تقوی و پرهیزگاری فرمودند: اگر مبارزه مجاهدین برای خدا باشد پیروزی واقعی بدست خواهد آمد و اگر در جهت رضای خدا نباشد پیروزی ندارد. آیه ۱ ... پروانی با اشاره به پیروزی ها و افتخار آفرینی های نیروهای رزمنده و مؤمن حزب وحدت اسلامی در تحولات اخیر کشور فرمودند: حزب وحدت انقلابی افغانستان، غی خوارست وارد جنگ شود، بلکه خواست از راه تفاهم و مذاکره مسئله کشور

مجترب داکتر طالب در ملاقات با مقامات وزارت خارجه آمریکا:

در رابطه به آینده کشور باید شرایطی را پدید آورد که مردم افغانستان تصمیم بگیرند که چه نوع نظامی را می خواهند و تمام مردم افغانستان باید از حقوق مساوی برخوردار باشند

حقوق زنان که نصف جامعه افغانستان را تشکیل می دهند باید تأمین گردد

Lakhdar Brahimi وزیر خارجه سابق الجزایر و نماینده خاص کوفی عنان سر منشی ملل متحد ملاقات نمود. داکتر طالب در صحبت با نماینده ملل متحد از وی خواست، ملل متحد پالیسی خود را در مورد رسیدگی به قضیه افغانستان تغییر دهد و شرایط افغانستان نیازمند برخورد قاطع آن سازمان در ارتباط به این قضیه است وی موضع حزب وحدت را در حمایت از پروسه سازمان ملل متحد به براهیمی یاد آورنده و از تقرر وی بجهت نماینده خاص حسن استقبال نمود. داکتر طالب گفت: امید وار است تقرر

به گزارش همکار نامه خبری وحدت از واشنگتن اخیراً داکتر رسول طالب عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی برای سفر کوتاهی به ایالات متحده پرداخته و ضمن صحبت و ملاقات با مهاجرین و هواداران حزب وحدت با بعضی مقامات و مأمورین ملل متحد، کانگرس و اداره های غیر دولتی امریکا ملاقات و صحبت نموده که نشرده مسافرت و دیدار های وی را به ترتیب وقوع آن به اطلاع خوانندگان می رسانیم.

محترم داکتر طالب به روز ۳۰ ماه جولای در نیویارک با الاخر براهیمی

استاد خلیلی در سخنرانی مناسبت میلاد مسعود رسول گرامی اسلامی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان:

طرد و دفع خائنین به این مردم جزء اهداف تغییر ناپذیر ماست.

ص ۲

احساسات ضد جنگ در ولایات شرقی افغانستان رو به گسترش است

مردم نمی خواهند جوانان شان در يك جنگ بیهوده کشته شوند

احساسات ضد جنگ زبانی تبارز آشکار خود را نشان می دهد که مردم بدون کدام نتایج ملموسی، قربانیان جنگ بیهوده را روی دست های خود می بینند. مردم وقتی طالبان پیکره های بخون آغشته جوانان را به آنها تحویل می دهد از آنها می پرسند که در برابر این همه قربانی چه

در پی تلفات شدیدی که پس از تحولات شمال بر نیروی طالبان وارد آمده و انتظار تسلط طالبان بر تمام افغانستان به تأمیدی شکسته ای مبدل شده است، احساسات ضد جنگ در ولایات شرقی افغانستان رو بفرونی نهاده است.

سفارت افغانستان در آمریکا مسدود شد

را اخراج نموده کنترل سفارت را بدست بگیرد تا اینکه در روز جمعه هفته گذشته، مقامات سیاسی آمریکا تصمیم گرفتند که سفارت افغانستان در آمریکا را تا مدت

در پی جنجالی که بین افراد هزاراد طالبان و حکومت ربانی بر سر کنترل سفارت افغانستان در واشنگتن برپا آمد و منجر به دخالت پولیس آمریکا گردید، مقامات آمریکایی تصمیم گرفتند که این سفارت را تا مدتی تعطیل نمایند.

سفارت افغانستان در آمریکا، قبل از تصرف شمال کشور توسط طالبان در اختیار حکومت ربانی نبوده اما پس از اشغال شمال کشور توسط نیروی طالبان، سراج جمال وردک سکرتر دوم سفارت، بیرق حکومت ربانی را از فراز سفارت پایین کشیده بیرق سفید طالبان را بجای آن برافراشت و اعلام داشت که پس ازین سفارت افغانستان در آمریکا، از سوی حکومت طالبان نمایندگی خواهد نمود. از طرف دیگر آقای یارمحمد محبت، یکی از مقامات دیگر سفارت، در مقابل این عمل سراج وردک، مقاومت نموده، موضوع را به پولیس آمریکا، ارجاع نمود. سه ماه ازین جنجال می گذرد و هیچ يك از مقامات سفارت نتوانستند دیگری

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

نماینده جدید ملل متحد باید به صدای مردم افغانستان گوش دهد

مردم افغانستان قربانیان ساکت جنگ های است که با مداخله بیگانگان به بهای نابودی دارایی های ملی کشور آنها، شرورزا و تبه کننده ادامه دارد. مردم افغانستان به گروگان گرفته شده اند تا عذاب ببینند و شکنجه شوند. گروگان در دست تفنگداران ناآگاهی که به ابتدایی ترین حقوق انسانی، هم احترام قائل نیستند.

این تنها راکت های کور نیست که مردم را به خاک و خون می کشد که امروز جنگ اعلان نشده ای علیه مردم بی دفاع افغانستان به پیش برده می شود. اگر بگویم که مردم افغانستان با يك قتل عام خاموش و روبرو هستند مبالغه نخواهد بود. در اوج انتقامجویی های که اخیراً توسط طالبان تشدید گردیده، هزاران انسان بجم داشتن هویت قومی خاص، روانه زندان و یا گورستان گردیده اند. دارایی های مردم بغارت رفته، فقر و گرسنگی، مردم را به تکیه انداخته و سؤنذنی جان هزاران طفل را با خطر جدی مواجه ساخته است.

مردم افغانستان از سازمان ملل انتظار دارند که بدر و رنج آنها بصورت جدی توجه نماید. نماینده جدید سرمنشی ملل متحد تنها به انتقال نظرات گروه های سیاسی و جنگ طلب بسنده نکند و در کنار این نظرات، بدبختی و سیاه روزی مردم افغانستان را نیز انعکاس دهد.

مردم افغانستان احتیاج به صلح دارند، همچنان که احتیاج به آب دارند. جامعه جهانی نباید انتظار بکشد که چه وقت خداوندان جنگ، دل شان برجم می آید و با پروسه صلح همراه می شوند. اگر جامعه جهانی، به حقوق بشر و ص

در این شماره میخوانید

متن کامل سخنرانی استاد خلیلی ... ص ۲

تحلیل مفهوم حکومت دینی ... ص ۳

پاکستان پس از پنجاه سال ... ص ۴

سازمان ملل و مشکلات صلح ... ص ۷

راه حذف در افغانستان تمام شد و کسی نمیتواند ملیتی را، حزبی را، یا مذهبی را حذف کند.

از سخنرانی رهبر شهید بمناسبت قیام سوم حوت

متن کامل سخنرانی استاد خلیلی بمناسبت میلاد مسعود رسول گرامی اسلام و هشتمین سالگرد تأسیس حزب وحدت اسلامی افغانستان

«قسمت پاپایی»



شما، وفتنگ به دوشان شما مصمم به دفاع از عزت شما (تکبیر حضار). مصمم هستیم به دفاع از حیثیت شما، مصمم هستیم به دفاع از منافع و مصالح شما. هر حرکت سیاسی و نظامی ما منافع و مصالح، عزت و سربلندی مردم ما جهت می دهد، چه شورای مرکزی شما و چه من به عنوان عسکر کوچک شما، زنده باشیم یا نباشیم، مردم ماراهی را که انتخاب کرده به آخرش می رسانند. این راه را عزت و سربلندی ماست، راه شرف مردم ماست، راه عزت، مکتب و مذهب ماست و این راه توسط مردم ما تداوم پیدا خواهد کرد. این راهیست که با خون رهبر شهید باز شده و تمام مردم ما در داخل و خارج، در هزارستان و کابل ادامه دهنده این راه سرخ استاد شهید هستند و خواهند بود. (تکبیر حضار)

ما علاقمند بودیم و هستیم ضمن اینکه در جهت سیاست های دفاعی خود کار را ادامه بدهیم در جهت عمران و بازسازی و انکشاف هزارستان تلاش نماییم. خیلی آرزو داشتیم که امسال در همه بخش ها یک سلسله پروژه های خوب و فعال را رونق بدهیم، ولی متأسفانه با گرفتاری های که خود شاهد بودید به آن صورت که میخواستیم نتوانستیم. اما اطمینان می دهم که در هر حدی که بتوانیم محرومیت زدایی کنیم. بارها گفته ام و حال هم تاکید می کنم که در گوشه گوشه هزارستان که ما گام بگذاریم، جز درد، جزنج و جز محرومیت چیز دیگری برای این مردم نمی بینیم. تلاش ما بر این بود که ما بتوانیم یک مقدار محرومیت را کم کنیم و محرومیت زدایی بکنیم. این

سیاست ماست. رشد فرهنگی، گسترش و ایجاد مکاتب و لیسه ها و مدارس دینی و کارهای فرهنگی دیگر که در رشد فکری و روحی مردم ما کمک می کند،

کمند ما بوده، امیدوار هستم که تا سال دیگر یعنی تا نهمین سالگرد حزب وحدت بتوانیم در این بخشها گامهای خوبی برداریم. تقریر بنیبه

دفاعی یکی از برنامه های حزب شماست. همانطوریکه جناب استاد عرفانی در

پیامشان یادآور شدند این سیاست حزب است که باید بنیبه دفاعی ما تقریر شود. امید وار هستم که در این راه ما تا نهمین سالگرد بتوانیم یک مقدار خویتر و روشن تر برای شما سخن داشته باشیم.

به هرحال برادران و خواهران! شرایط سخت و دشواری است، ولی الحمدلله در همه بخشها مردم ما با کمکهای الهی و خداوندی جایگاه مناسبی را پیدا کرده اند. ولی حرف همیشه ام این است که راه را دشواری است. راه را سختی است. راهی است که مردان بزرگی در این راه به شهادت رسیده اند و شهید هم خواهند شد. مردم ما در صورتی می توانند راه را به صورت احسن ادامه بدهند که هوشیاری و آگاهیهای بیش از پیش حفظ شود و مردم ما بیش از پیش در صحنه حضور پیدا کنند. و مترجم آینه شان باشند، و گذشته شان را خوب مطالعه کنند که چه بودیم، کی بودیم، چگونه زندگی می کردیم و حال در کدام موقعیت هستیم و در آینده چگونه باشیم؟

من یقین دارم یکی از الطاف الهی است که با مقاومتهای غرب کابل و هزارستان آگاهی و هوشیاری نصیب مردم ما شده، استاد شهید در جلسه خصوصی اظهار داشته بود و حالا من در اینجا می گویم که مردم ما در بسیاری از مسائل از ما کرده پیشند، یکی از افتخارات ماست که مردم هوشیار، خوب، مراقب و حاضر در صحنه

برادر! خواهر! برنامۀ عملیات روی جابجایی، قره باغ و مالستان از شهر غزنی توسط همین عوامل برنامه ریزی میشود. پیام تبریکی را بعد از گرفتن مزار کی به طالبان داده بود؟ همه شما شنیدید اگر «رادیوی شریعت» دروغ میگوید، روزنامه های ایران هم دروغ میگوید! این پیام تبریکی چاپ شده در روزنامه های ایران. خبرگزاری فرانسه هم پخش کرده، ننگ بر کسی که با آن اهداف شوم که نیروهای طالبان داشتند و قلع و قمع شما مردم جزء برنامه های آنها بوده و هست - پیروزی آنها را تبریک بگوید! کجای این ها به شیعه میماند؟

کجای اینها به هزاره می ماند؟ کجای اینها با شما هم نویی دارد؟ چطور مردم ما همچو افراد را قبول میترانند؟ من تعجب می کنم از دوستانی که عاشق چهره این چنین افراد منفور و نفرین شده مردم هستند (شعار حضار: مرگ بر خانیان). در لحظه های که ما در بامیان زیر فشار بودیم، دوستان ما از قم تلفون می زدند که بامیان را ترک کنید، فتوای علمای ما می گفتند غرب کابل تکرار نشود؛ بامیان را ترک کنید. اما ما در بامیان بودیم که آخرین سنگر شیعه را حفظ کنیم. اگر ما بیرون شویم این آخرین سنگر مثل کابل سقوط می کند، ولی در برخی محافل کسی که مجتهد است! رهبر است رهبر یک حزب هم هست، گفته بود بامیان سقوط کند به نفع ماست! یعنی خیلی نباشد ملا عمر به نفع توست؟!

دوستان شورای مرکزی در جریان اند، آخرین تصمیم ما این بود که مردم ما بی عزت نشود. داکتر صادق بیاید اینجا را حفظ کند. برای من مهم نیست. حفظ مردم مطرح است، ولی آقایان در مشهد و در قم در محافلشان نشسته بودند که بامیان به زودی سقوط می کند و به نفع ماست. لعنت بر این عرق شیعه گی! کجا کردید عرق شیعه گی را؟

لشکر مهاجم طالبان برای مردم مظلوم وارد شوند به نفع شماست؟! چارنا پا برهنه یقیم و مظلوم که اینجا نشسته در سنگر، از عزت شیعه دفاع می کنند، در مقابل

بزرگترین پشتوانه های خارجی طالبان می جنگند. نابودی

اینها به نفع شماست؟! کجاست غیرت شیعه گی و کجاست این همه ادعای رهبری که می

نمایند؟ بعد دوستان ما

هم علاقمندند که برای این چهره ها دوباره

راه حل پیدا شود، مگر مردم ما انسان نیستند؟ مگر مردم ما، این مردم مظلوم غربی که

سالهای سال درد و رنج شان انسان را به گریه می آورد، احساس ندارند؟ تبریکی گفتن برای فتح مزار از طرف این آقا به معنای این است که بعد

از فتح کربلا کسی برای یزید تبریک بگوید! ما وحدت و یکپارچگی مردم شیعه خود را تحت بزرگی می دانیم و

ازش حمایت می کنیم. ولی در برابر این چهره های که اینچنین برخورد با مردم ما می کنند، این ها از دید مردم ما طرد شده اند. هیچ کسی

نمیترانند - چه در داخل کشور چه در جایی دیگر - بر مردم ما اینها را تحمیل کند. ما از همکاری های کشورهای دوست جبهه متحد

متشکریم. از همکاری جمهوری اسلامی ایران، از ارکان های دلسوزش سپاسگذار هستیم. مردم ما علاقمندند به دوستی با جمهوری اسلامی

ایران. ولی این نکته را به عنوان دوست یادآور میشوم که حساب چند فرد نفرین شده از مردم شیعه افغانستان کاملاً جداس. هیچ کسی

اعمال و کردار نفرین شده های مردم افغانستان را نباید به حساب شیعیان سربلند افغانستان بگذاریم.

من یک قول را میدهم که ضمن اینکه مردم ما به دوستی خود با همه کشورهای دوست جبهه متحد وفادار است - به خصوص جمهوری

اسلامی ایران - به شامردم سربلند خود اطمینان می دهم از طرف شورای مرکزی و شورای عالی نظارت، که حزب ما و مسزولین شما، جنرالان

در سطح جامعه شیعه خدا را سیاس گذارم که امروز ما شاهد یکپارچگی و یک دستگی مردم شیعه، خود هستیم. من این را قبلاً هم یادآور شدم، حال هم با خرس قاطع اعلام می کنم مردم شیعه افغانستان از هر زمان دیگر متحدانه و یکپارچه در برابر مهاجمین آماده دفاع هستند. امروز چه در غزنی، چه در بهسود، چه در پروان و ترکمن و شیخ علی، چه در دایزنگی، روس، پنجاب، لعل و سرچنگل، چه در ارزگان و ولسوالی های آن و چه در صفحات شمال مردم متحدانه راهشان را انتخاب کرده اند. بلخمری بهترین دلیل و روشترین برهان برای یک پارچگی مردم ماست. حرکت مزار خود بیانگر وحدت مردم ماست. خدا را سیاس گذاریم که این نعمت را نصیب ما کرده، و افتخار میکنم که امروز حزب وحدت جلودار این وحدت و پیششاز این حرکت است. پس از سقوط کابل شما در جریانید که ما بارها اعلام کردیم که نیروهای مهاجم جدید با اهداف شومی که دارند به همه جا پیورش خواهند برد. بیایم دوسیه کینه و عداوت را ببینیم از عزت، آرامش و امنیت مردم خود دفاع نماییم. مردم همه استقبال کردند و امروز در خطوط مقدم و همه مناطق، کوچکترین معضله ای نداریم که باعث نگرانی باشد. طبعاً گاهگاهی بین این سرگروپ و آن سرگروپ کشیده گاهی رخ میدهند، ولی مردم ما از ارزگان تا غزنی تا بهسود تا ترکمن و شیخ علی تا لعل و سرچنگل و یکاولنگ و شمال همه یکپارچه پشت سر این سیاست حزب وحدت ایستاده هستند و از عزت، شرف و سربلندی شان دفاع می نمایند. ایجاد این وحدت از آرزوهای تغییر ناپذیر بوده و تحمیک آن جزء

خواسته های ما است و ما با تمام توان به هیچ فردی و هیچ جزوای اجازه نمی دهیم که این وحدت را با قول یا عملش تضعیف نماید.

ولی یک نکته را بگویم، ما ضمن اینکه از مردم سربلند خود تقاضا داریم وحدت و یکپارچگی شان را حفظ نمایند، و تحمیک این وحدت جزء اهداف حزب وحدت هم هست، طرد و دفع خائنین به این جزء از اهداف تغییر ناپذیر ماست. آنهایی که با چهره های مختلف چه در کابل چه در هزارستان به مردم ما جفا کرده اند نه از دید حزب وحدت قابل گذشت است و نه از دید مردم ما، مردم ما در خارج و در داخل این چهره ها را می شناسند که چگونه در حق این مردم جفا و خیانت کرده اند.

به شما اطمینان می دهم و از طریق شما به تمام مردم سربلند خود، که حزب وحدت در برابر خائنین همان سیاستی را که استاد شهید اعلام کرده بود هیچ تغییری در آن سیاست به وجود نیامده و از دوستان خود هم میخواستیم بخاطر تحمیل چند چهره منفور و استغراق شده نباید دوستی خود را با مردم ما خدشه دار کنند. بعضی تلاش ها در برخی از حلقهات داخل و خارج برای احمای این مرده ها شده است. من در این روز مقدس و در این سالگرد حزب وحدت اسلامی اعلام می کنم که از این تلاش ها هیچ نتیجه ای نخواهند گرفت و مردم ما همانطور که در غرب کابل آن ها را نفرین کردند، نفرین شان الی الابد بر این چهره های خاین ادامه پیدا خواهد کرد. این چهره های خاین در غرب کابل آنچه که در تروان داشتند دشمن، تیز شان را به پشت و پهلوی زخم خورده مردم ما فرو بردند. ما فکر می کردیم بعد از سقوط کابل اینها متوجه خیانت شان شده باشند و با سیاست گریانه ای که حزب وحدت در پیش گرفت اینها سر عقل آمده باشند.

دروغی که از خارج با داخل کشور پخش شدند و دست از سر مردم ما بردارند. ولی بدین برادران و خواهران که چگونه مناطق شما مردم

شیعه را با تمام در قطار خاک، لولنج و دو آب در خدمت طالبان قرار دادند. سند داریم. باید برادران فرهنگی ما این (اسناد) را بیرون

بدهند ارائه کنند به مردم، تا این لحظه ای که من در خدمت شما هستم گزارشات مکرر در مکرر داریم که از گوشه و کنار یک سری افراد که

با پول در خدمت طالبان قرار گرفته اند گاهی در قندهار هستند، گاهی در کابل و گاهی در بهسود و غزنی، شما به من بگویید، در

کابل کجیا هستند؟ در شهر غزنی کجیا دفتر دارند؟ در قندهار کی ها

رفت و آمد می کنند؟ دیروز ما را متهم می کردند، استاد شهید را

متهم می کردند که اینها با پشتون ها شوراییان هماهنگی را تشکیل داده اند، زمینه کوچی ها را فراهم می کنند در هزارستان! دروغ

اعلامیه دارند، بهتان زدن و تهمت گفتند. من در صحبت های

عاشورا گفتن من مطمئن بودم که واقعیت ها یک زمان روشن می شود.

خدا اقل برای مردم ما واقعیت ها روشن میشود. امروز واقعیت ها روشن شده. خروجین های پرا، از قندهار وارد هزارستان میشود!

متن کامل سخنران استاد خلیلی ...

ای مانند شما داریم. این يك واقعیت است برادران. مرفقیتهای كه نصیب مردم ما شده پیروزیهایی كه خداوند لطف كرده طبق همان آیه مباركه كه خدمت شما تلاوت كردم: ان ينصركم الله فلا غالب لكم... كسی را كه خداوند یاری كند چه كسی می تواند حقش را بشكست بدهد. كسی را كه خدا خوار كند، غیر از خدا چه كسی می تواند او را به عزت برساند. مؤمنین همیشه به خدا توكل كنند.

امروز روز مولود مبارك پیامبر بزرگ اسلام و پيشروای ششم شماست.

راه راه حقی است وخداوند(ج) هم در این راه حق شما را كمك كرده است. خداوند هم شما را از تمام مظلومیتها ومحرومتها به این مرحله از شرایط قرار داده، تمام پیروزیها، تمام مرفقیتهای ما به لطف و عنایت الهی است. بلی مردم ما در صحنه بودند، بلی مردم ما هشاری به خرج دادند بلی مجاهدین ما دلاوری و شهامت خارق العاده ای نشان دادند، بلی قوماندانان و جنرالان ما فداكارانه تلاش كردند، ولی امكانات شما وشرایط سخت شما ایجاب نمی كرد كه بدون كمك های الهی به این پیروزیها برسید. من بارها گفته ام برادر و خواهر ما گام به گام یاری خداوند را احساس می نماییم، لحظه به لحظه كمكهای الهی را شاهد بودیم، مرحله به مرحله خداوند كمكهایش را شامل حال شما كرده، پس ای برادر وای خواهر و ای مادر و ای پدر وای اسنادید وای جنرالان وقوماندانان و ای تنگن بدوشتان! شكر این كمكهای الهی را بجا بیاورید، تا لحظه ای كه كمكهای الهی شامل حال ما باشد از هیچ قدرت بزرگ دنیا نترسید. خداوند كمك می نماید، قدرت خداوند بالاتر و ما فائق قدرتهاست. بترسید از آنروزيكه خشم خدا شامل حال ما گردد. وای برحال ما كه ما به خدا پشت كنیم، آنروز هیچ كس ما را نجات داده نمی تواند. پس بیایید شرایط كمكهای الهی را فراهم كنیم، كه كمكهای الهی شامل حال ما شود، اعمال خود را اصلاح كنیم، اگر گروه نظامی هستید، اگر در جزوتام هستید، اگر قوماندانان هستید، اگر در كمیته ها هستید، اگر در شورا هستید، همه خود را عیار كنیم به اوصافی كه خداوند می خواهد. بنده خوب خدا باشیم. او به نیایش و

عبادت ما نیاز ندارد، این ما هستیم كه به او نیاز داریم... خداوند هیچ وقت خلاف وعده اش عمل نكرده، هر مردم كه پشت به خداوند كرده و در مادیات و عیشای غرق شده به مادی گرایي و تجمل گرایی افتاده آن مردم و جامعه طبق سنت الهی محكوم به شكست شده است.

هر جامعه ای كه خود را به اوصاف خدا گونگی عیار كند، آن جامعه سر بلند و سرافراز و با عزت است. من یقین دارم كه اكثريت مردم خرب ما با دعاها و نیایش ها و نذر و نیازها و با قرآن خوانی های شان این كمك های الهی را جلب كرده اند، تمام كمكهای الهی به خاطر خوبی شما مردم است.

خواهش اینست كه همیشه مراقب خود باشیم. سعی كنیم كه لغزش نكنیم، ما معصوم نیستیم لذا سعی كنیم كه به راه هایی كشیده نشویم كه به دنیاگرایی و تجمل گرایی و آشفته گی و زناه زدگی كشیده شود. من خطر تجملگرایی و مادی گرایی را در سخنرانی سالگرد استاد شهید یادآور شده، حالات و تمایز افغانستان مردم ما دوشادوش باقی مردم شریف اینست كه مواظب باشید.

...امیدوار هستم كه تا لحظاتی كه زنده هستم عسك شما باشم و در خط خیانت و جفاي به شما نیفتیم. دعا كنید كه ما آینده ی خود را و آینده ی مردم خود را و آینده ی كشور و مردم تشیع را، آینده ی درخشان و سر بلند و سرافراز رتم بزینم و ریشه ی تمام محرومیت ها، مظلومیت ها، بیچارگی ها و تحقیر شدن ها و توهین شدن ها را بخشكیم و در فردای افغانستان مردم ما دوشادوش باقی مردم شریف و نجیب افغانستان سرافراز و سر بلند زندگی نمایم.

به شما اطمینان میدهم كه تمام شورای عالی نظارت و رمزگزی، قوماندانان، جنرالان، تنگن بدوشتان شما در خدمت شما است و از عزت و سر بلندی تان دفاع می نمایم.

من امروز مردم خود و حزب وحدت اسلامی را بیش از پیش و از هر زمان دیگری منسجم و متحد تر می بینم. و از این جهت من از تك تك اعضای شورای مرکزی وشورای عالی نظارت و قوماندانان، جنرالان و تنگن به دوشان سپاسگذار هستم و دست تك تك این عزیزان را می بوسم.

والسلام علیكم ورحمة الله و بركاته

هارون تنویر

قسمت پنجم

تحلیل مفهوم حکومت دینی

قابل توجه خواننده گان عزیز!

متن زیر قسمتی از مقاله مفصلی است كه از برادر هارون تنویر، فعلاً باشنده هالند كه در باب حكومت اسلامی تحریر یافته و به اداره نشریه امروز ما فرستاده شده است.

نظراتی كه در آن مطرح گردیده، عمدتاً شباهت می رساند به آنچه كه در سالهای اخیر توسط دكتور عبدالكريم سروش، دانشمند و نویسنده جنگلی ایران، در باب حكومت اسلامی بیان می كرد. مسئولیت نظرات ارائه شده به عهده نویسنده و انتقادات معقول و منطقی در زمینه، قابل چاپ در شماره های بعدی خواهد بود.

اگرچه در ترتیب و عنوان گذاری متن، اشكالاتی وجود دارد، ولی از باب حفظ امانت، نوشته عیناً به چاپ سپرده می شود.

جامعه دینی، جامعه ای است كه غایات دینی دارد و به دنبال پرستش خداوند و پرواز روح در ماروای طبیعت است. لذا پس از آنكه حكومت، حاجات اولیه، جامعه را برآورد، خواه ناخواه به سری حاجات لطیفتر بعدی خواهد تشافت. اما اگر جامعه، دینی نباشد، حكومتش هم دینی نخواهد بود و مردم به تأمین حوائج اولیه و ثانویه، خود (منهای دین) بسنده خواهند كرد.

۹- نقش روشنفكران در جوامع (و روحانیت در جامعه دینی بالاخص) همین جا روشن می شود. روشنفكران كار شان تأمین حاجات ثانویه است و مردلان فكر و هنر و نقد و نظرد و از این جهت راهشان با حكومت كه كارش تأمین حاجات اولیه است، جداس (نه لزوماً متضاد). حكومت الهیه از روشنفكران بهره می جاسد و نگاه است تكیه گاه روشنفكری داشته باشد، اما در اصل و اساس، يك دستگاه خدمتگذار و بوروکراتيك است كه پایگاه طبقاتی دارد و به هیچ رو كار روشنفكری (كه منافع طبقاتی ندارد) نباید با كار و وظایف حكومتی درهم آمیخته شوند. اینجا باید از آن حدیث معروف بهره جست كه میگوید:

«بهرین امیران، آنانند كه به خدمت عالمان می روند و بدترین عالمان آنانند كه در خدمت امیران در می آیند. استقلال این دو باید حفظ شود. و حكومت نباید روشنفكر را مسخر و كارمند خود بخواد كه در این صورت فكر و روشنفكری قدرت زده، دچار نسخ و اعوجاج می شود.

استقلال عالمان از امیران، مربوط به حكومتهای جایز نیست، بلكه ماهیت فكر و روشنفكری، استقلال از قدرت را اقتضا می كند و تأمین حاجات ثانویه، جز با این استقلال سامان و صورت نمی پذیرد. قدرت فرهنگی جامعه باید مستقل از «قدرت سیاسی» بماند و در صورت لزوم قدرت سیاسی را نصیج و تعدیل كند و علاوه بر آن، تعالی و رشد معنوی جامعه را نیز تضمین نماید. روشنفكر حكومتی، روشنفكر نیست. ۱۰- چون سخن از آبادان دنیا رفت، به منزلت تكمله و خاتمه سخن

به این نكته اشاره می كنم كه در معارف دینی سخن از دَم دنیا بسیار رفته است. صوفیان چندان در دَم دنیا افراط كردند كه دنیای ویران را بر دنیای آباد و مرگ را بر زندگی ترجیح دادند. چنین اندیشه ای البته با هیچ حكومتی نمی سازد و به همین سبب بر خاك اندیشه صوفیان نه علم روید و نه سیاست. باید معنای «دنیای مذموم» را دریافت، به گمان بنده در روایات دینی ما «دنیای مذموم» دو معنا دارد: یکی گرفتار شدن به آفات فقر، و دیگری گرفتار شدن به آفات توانگری. «رها كردن دنیا» هم به این معناست كه باید خود را از بند دنیا رها كرد. و «رها شدن از بند دنیا» یعنی رها شدن از بند فقر یا از بند غنا. كسی كه به دلیل از دلایل گرفتار دنیا و طبیعت است، به معنویت نمی رسد. «گرفتار طبیعت بودن» دو معنا دارد: یکی «مفتون دنیا بودن» و «نظر نكردن به ماورای طبیعت» و دیگری «محرور از دنیا بودن» كه هر دوی آنها محل دینداری اند. همان قدر كه فقر مخل پرواز روح است، بطر و تنعم و مسرفانه و مغرور هم، چنین است. لذا باید تك نهداشت. هم فقر كفر میارود، هم استغنا موجب طغیان می شود. بر هر دو باید مهار نهاد. این، كار مشكل و مهم حكومتهای دینی است كه می خواهند فضای جامعه را برای پرواز جان، مساعد سازند و تعادلی به احوال اجتماع ببخشند كه از هیچ سو بر روح، گرانی نكند و آن را به اعوجاج نكشاند. ستم ناشی از فقر به اندازه ستم ناشی از غنا و رفاه، شقاوت انگیز و استخوانسوز است. هیچ كدام را به خاطر دین، نمی توان تحمل كرد. همین طور است رواج پاره ای از گناهان كه محل عطف توجه به سوی خالق است. جامعه از آنها هم باید پیراسته باشد وگرنه سبكبالی مطلوب حاصل نخواهد شد.

«ادامه دارد»

۸- چنانكه گفتیم حكومت دینی، علاوه بر اینکه دینی است، حكومت هم هست، لذا حاكمان، باید حكومت (یعنی مدیریت) كنند، نه كارفرما، خدایی و پیامبری كردن، فرق جایگاه بشری نشستن، هوای را رسیدنی در سر پروردن و به خُاست مردم بی اعتنا بودن و مردم را خادم و مادم خود خواستن و امثال آن، حكومت نیست. لذا حكومت دینی در اصل و در ماهیت حكومت بشری است، نه كمتر و نه بیشتر و از این حیث باید مثل حكومتهای دیگر باشد. آنگاه بكي از صفات این حكومت، دینی بودن آن است و این صفت از آنجاست كه ماشین حكومتی در خدمت جامعه، مؤمنان است.

ممکن است پرسید كه «مطابق تصویری كه فوقاً از حكومت دینی ارائه شد، چه تفاوتی میان حكومت دینی و غیر دینی خواهد بود؟» حقیقت این است كه نباید انتظار داشت حكومت دینی لزوماً از حیث شكل با حكومتهای دیگر فرق بین و بارزی داشته باشد. قرار نیست اگر در این عالم مردمان عاقل بروی دویا راه می روند، دینداران بر روی سر شان راه بروند، چه اشكالی دارد كه مردم و جوامع دیگر هم در امر حكومت به همان شیوه های معینی رسیده باشند كه تحلیل ما از حكومت رسیده است؟ چرا باید فكر كنیم كه وقتی خطوط و ارکان حكومت دینی را به دست می آوریم، نتیجه اش باید با آنچه عقلا از وایزینی و مشاوره حاصل كرده اند تفاوت داشته باشد؟

این مطلب شبیه به آن است كه از سر انكار و تعجب بگویم پاره ای از مطالب قرآن پاك همان حرفهایی است كه دانشمندان و فیلسوفان می گویند، پس چه فرقی میان علم و دین است؟! بیچاره ای است كه هیچ بهرگر قرار بود میان علم و دین تضاد باشد، ما باید رفته رفته بدان سر برویم كه این دو مسیر هرچه بیشتر متقارب شوند تا آنجا كه اظهارنظرهای علمی وارد در دین با یافته های علمی منطبق و بی تعارض شوند. لذا این به هیچ وجه مایه، تعجب و انكار نیست كه ببینیم راههای بشری و الهی رفته رفته به هم نزدیک می شوند. هیچ اشكالی ندارد كه عقلا به همان جایی برسند كه دین به آنجا رسیده است و می تواند برسد. این امر نه فقط اشكالی ندارد كه حسن كار محسوب می شود. مدعای ما این است كه حكومت دینی با تعریف و توضیحی كه آوردیم، انصافاً با حكومتهای عقلایی بشری از نظر شكل و از آن نظر كه حكومت است فاصله ای ندارد. تفاوت اصلی حكومتهای دینی و غیر دینی نه در شكل آنها كه در غایات آنهاست. حكومت دینی «آگاهانه و هدفمندانه دنیای مردم دیندار را آباد می كند تا آنان آخرت شان را خود آباد كنند. این غایت حكومت دینی است» اما شكل آباد كردن دنیا، می تواند در هر دو نوع حكومت كاملاً یکسان باشد. بدیهی است كه آن غایت و آن روح، جز در يك جامعه، دیندار نمی تواند زنده باشد، یعنی دیندارانند كه به دنبال آباوایی آخرت خویشند و اگر زنجیر از دست و پایشان برداشته شود، به سوی خدا پرواز می كنند. به همین سبب حكومت دینی جز بر جامعه دینی و در جامعه دینی محقق نمی شود. خدمت به دنیای ایشان است كه خدمت به آخرتشان هم است، تفاوت دیگر حكومت دینی و غیر دینی كه ناشی از تفاوت نخست است، در این است كه حكومت دینی، حكومتی است كه دینداران بنا كرده اند. و حكومت غیر دینی منبث از جامعه، غیر دینی است. حكومت از پیش خود چیزی به مردم نمی دهد، حكومت مشبث از مردم است و فقط آنچه را كه مردم دارند، متجلی می كند. همه رگ و ریشه، حكومت از جامعه است. حكومت موجودی برتر از جامعه نیست، بلكه جزئی از اجزای آن است و به مقتاری كه جامعه در آن می ریزد، واجد مختار می شود. اگر جامعه غایات عالی در آن ریخت، حكومت هم غایات عالی را منعكس خواهد كرد و از این غایات پاسداری خواهد كرد. اگر هم غایات دانی در آن ریخت، و به حد همین دنیا قانع بود، حكومت هم همین محتوا را خواهد داشت. پس تفاوت حكومت دینی و غیر دینی، ناشی از تفاوت جامعه دینی و غیر دینی است. و تفاوت جامعه دینی و غیر دینی هم در ایمان مردم آن جامعه و عمل مسبوق به ایمان آنهاست.

جنگ و نسل فردا

در فرهنگ جنگی آموزش انسان به صفر تقلیل می یابد. این بدان معنی است که اگر جنگ انسان می کشد، فرهنگ جنگی حرمت انسان را نابود می سازد و با نابودی حرمت انسان، همه حدود و دیوارها فرو می ریزد. انسانیت هیچ ملاحظه ای را بر نمی انگیزد. انسان به پستی گراییده، در هیچ چیزی بند نمی شود. همه چیز مجاز و همه کس مهدف و لطمه پذیر است. فرهنگ جنگی است و جامعه جنگ زده، اینکه نسل فردا را در دامان خود می پروراند. نسل رها شده در فضای دود و آتش، کشتار و بی رحمی، غارت و چپاول. در همه جا خون است و لاشه، انسانی که عفونت از آن بر می خیزد. در کوچه پس کوچه های شهر، دامن های کوه، اطراف سرب، میدانگاهها، لاشه، انسانی بوی گند می دهد. همه جا کثافات و خاکریبه است. خانه ها ویران و خانواده ها بی سرپرست. طفل پدر کشته با انفجار بم از کانون خانواده به سرب ها و کوچه های کیفی پرتاب شده است. نان به گدایی می خورد و با دزدی، کانون های تعلیمی بی ویران شده و با بدست خدایان جنگ به نفع پیشبرد جنگ، بسته گردیده، تخته سیاهها شکسته، قلم و کتابچه در شهر نیست. چرنکه خریدار ندارد، دیگر معلمی از صداقت و پاکدامنی و حرمت انسان سخن نمی گوید. گوش ها

می جنگیم و همدیگر را می کشیم، چون مجرمانی که عذابان به خود مان و آذکار شده. اگر چنین است که ما می خواهیم زندگی خود را با جنگ به آخر برسانیم، آن نسلی که برای فردا، امروز در دامان ما بزرگ می شوند چه سر نوشتی خواهند داشت؟ آیا آنها نیز باید تجربه سیاه ما را تکرار نمایند؟ جواب این سؤال زمانی مشخص می شود که درک کنیم، ما چه چیزی را در ضمیر فرزندان خود، نقش می نماییم. هر شخصیت، مولود فرهنگ و فضایی است که در آن پرورش می یابد، کنش های انسانی؛ ساختار شخصیتی هر کس ناشی می شود، اینکه یک جامعه با چه دستمایه هایی ساختار شخصیت نسل فردا را خود را می سازد، شیوه، زندگی او را نیز تعیین می کند؛ مصالحه نخواهد بود که بگوییم، سنگ بنای خوشبختی و بدبختی نسل فردا با دست کسانی گذاشته می شود که امروز دست اندرکار تعیین چگونگی زیستن است. جامعه فردا در دامان امروز پرورش می یابد. هر کسی فرزند جامعه و زمان خود می باشد.

چه چیزی برای جامعه ما اهمیت دارد، دلهره ها، نگرانی ها و آرزوها در باره چیست؟ همان چیزی که تعلق خاطر ایجاد می کند و فضای اجتماعی را اشغال، نسل فردا ما بسوی آن کشیده می شود. همه ستروالات و تحلیل ها به جنگ ارجاع می شود و این نشان می دهد که جنگ محور زندگی جامعه ماست. جنگ واقعیتی است گسترده و همه گیر. در هیچ گوشه، کشور نیست که چهره منحوس جنگ را نبینیم. همه جا جنگ است و همه کس به نحوی دست اندکار آفریدن جنگ؛ جنگ همچون سرطان ریشه هایش را گسترانده و همه واقعیت های زندگی را مطابق با مقتضیات خود عیار ساخته است. جنگ در کنج ذهن هر افغانی لانه کرده، او را و ما می دارد که شیوه زندگی خود را با الزامات فرهنگ جنگی، منطبق سازد.

جنگ را تنها رهپوی نمی کنند، رهبران جنگ را تغذیه می کنند و مردم نیز از جنگ تغذیه می کنند؛ تا بترانند خوراک جنگ را فراهم کنند. این یک ناگزیری است. چنین جبری را بوجود آورده اند و راه

فراری نیست. اگر جنگ نباشد نانی هم نیست. چه بسیار خانواده هایی اینگونه نگر می کنند. جنگ تنها وسیله ارتزاق است. چه آنانی که در صف مقدم نبرد می جنگند و چه آنانی که در پشت جبهه قرار دارند از جنگ می خورند. در این رابطه، مقابل است که جنگ خود را توسعه می بخشد. جایی نیست که جنگ در آنجا حضور نداشته باشد. جنگ مزرعه دهقان را نیز فرا گرفته است. دهقان چاره ای ندارد که تاکنیک های موجود جنگی را در فصول کشت خود از نظر دور دارد. دست دهقان تنها دستی است که بکار تولید مشغول است اما جنگ این دست های پنبه بسته، تولید گر را هم رها نمی کند. دهقان باید در مزرعه خود، تخم جنگ بکار. اینجا است که در مزارع، همه گل سرخ می روید تا ریشه انسان را بپخشاند. کشت دهقان باید در خدمت جنگ باشد و گرنه به آتش کشیده می شود. مزرعه، مرگ انسان هیچوقت نمی سوزد. چون از آنجا مالیاتی بدست می آید که جنگ را تغذیه می کند. این جنگ این همه، جنگ همه، دست ها را به آفریدن مرگ بکار می اندازد. اینجا نهال زندگی ریشه نمی گیرد. چاره ای جز این نیست که همه دست بکار توسعه مرگ شوند و حتی دهقان هم باید تخم مرگ بکار. مگر نه این است که جنگ دشمن زندگی است و نقش اصلی آن آفریدن مرگ، جامعه جنگ زده باید از الزامات جنگ پیروی نماید.

جنگ وقتی دوام می آورد، فرهنگ خود را می آفریند. این از خاصیت یک پدیده، اجتماعی است که برای دوام خود فضا آفرینی می کند. این فضا آفرینی برای آن انجام می گیرد تا همه چیز را به رنگ خود درآورد. این یک نوع فرایند بومی سازی است و فرهنگ این فرایند زاییده می شود. فرهنگ مجموعه ای از سنت ها، رسوم، شیوه رفتار، اخلاقیات، هنجارها و باورهای که رفتار اجتماعی آدمیان را قالب بندی می نماید. فرهنگ جنگی در عین اینکه از دوام جنگ پدید می آید، خود نیز در خدمت ادامه جنگ قرار می گیرد.

عناصر اصلی فرهنگ جنگی را، قتل و کشتار، قساوت و بی رحمی، غارت و چپاول، تجاوز و بی حرمتی تشکیل می دهد. جامعه ای که طی دو دهه با این عناصر زیست می کند، تمامی این پلیدیها را در خود قوت می دهد. این یک فاجعه اخلاقی است که با جنگ پدید می آید اما هرگز با پایان جنگ پایان نمی پذیرد. فرهنگ جنگی تنها تخم کینه نمی کارد که همه زمینه های حیات اجتماعی را آلوده می سازد و این آلودگی نسل انتر نسل از طریق توارث و انتقال فرهنگی، خود را به درازا می کشد.

پاکستان پس از پنجاه سال

احتیاج دارد و در مقابل محرومیت های اقتصادی و اجتماعی یگانه دشمن اراده آزاد است. چه بسیار از مردم وجود دارند که مجبورند به افراد خاصی رأی بدهند. انگشت اقتصادی و اجتماعی در پاکستان به نفع اکثریت فقیر، پیش نرفته است و همین عامل زمینه فرقه گرایی مذهبی را در این کشور پیشتر مساعد ساخته است.

فقر اقتصادی اکثریت مردم، و فرقه گرایی مذهبی، دو مشکل عمده ایست که در سر راه حکومت پاکستان قرار دارد. فرقه گرایی مذهبی، حالتی را بوجود آورده است که کشور پاکستان، میدانگاه تروریزم گردد. این مشکل بیشتر ریشه در ساختار اقتصادی پاکستان دارد که اکثریت مردم در آن احساس محرومیت می کنند. پله های سیاسی برای بسیاری از مجموعه ها، پسموینی نیست و این باعث می شود که کسانی خود را به منابع بیگانه وابسته ساخته، به اعمال خورشت آمیز متوسل گردند. درست که جامعه پاکستان یک جامعه شدیداً اسلامی است اما فرقه گرایی های خورشت آمیز، ریشه بیرونی دارد. و این یک تهدید جدی برای دموکراسی جوان پاکستان به حساب می آید. اگر حکومت پاکستان نتواند این مشکل را از راههای اصولی حل نماید، این امکان وجود دارد که بار دیگر نظام سیاسی پاکستان، مسلح گردد.

با همه مشکلاتی که در پاکستان وجود دارد، این کشور، یک عضو برجسته و با اعتبار جامعه بین المللی است، فراموش نمی کنیم که اعتبار پاکستان در جامعه بین المللی خاصاً در میان جوامع اسلامی، زمانی به اوج خود رسید، که این کشور در صف مقدم حامیان جهاد افغانستان، نقش خطیری را در به ثمر رساندن جهاد کبیر مردم افغانستان به عهده گرفت.

احساسات گرم و اسلامی مردم پاکستان، جایگاه امن و پر عطفونی را برای مهاجرین افغانستان در این کشور فراهم آورد. برادری اسلامی، تجربه بسیار با شکوه و ارزشمند خود را در مهمان نوازی مردم پاکستان از برای خود، ولی این واقعیت تلخ امروز قابل سؤال است که چرا آن جریان های جهادی دیروز، امروز یا از پاکستان رفته اند و یا علیه سیاست های پاکستان در افغانستان قرار گرفته اند. بالاخره چطور شد که پاکستان پس از آن همه حمایت های گرم و تعیین کننده، از جهاد افغانستان، به یکباره به رهبران این جهاد در افتاد؟ آیا این معنای برپایی حمایت های بی دریغ پاکستان از جهاد افغانستان نیست؟

حکومت پاکستان امروز، حامی جریانی در افغانستان خوانده می شود که دشمنی با مجاهدین راه استقلال این

کشوری را که پاکستان می خوانیم، پنجاه سال پیش در چنین روزهای دنیای آمد. این کشور در عمر پنجاه ساله خود، از گردنه های سختی عبور نموده تا به مرحله کنونی رسیده است. کشوری با عمر کوتاه نمی تواند بهتر از آنچه که هست باشد. راهی را که این کشور پیموده صعب العبور و پر نشیب بوده، کشور جوان با جنگ های متعددی روبرو شده و از میان دود و آتش خود را به زمان حال رسانده و در زمان جاری با همه مشکلات داخلی، در صحنه بین المللی از کشورهای مطرح حساب می آید.

پاکستان کشوری است که بر پایه باورهای اسلامی بنا یافته و تشکیل آن بر اساس این ضرورت که مسلمانها باید جای مستقلی در شبه جزیره هندوستان داشته باشند، پایه ریزی گردیده است. پاکستان تنها کشوری است که مسلمان بودن آن، فلسفه تشکیل آن را بیان می دارد. اسلام در کشور پاکستان جایگاه ویژه ای دارد. پایبندی به مقدسات و عنعنات اسلامی، بسیار شدید و وجهه مشخصه جامعه ملی پاکستان را نشان می دهد. مردم پاکستان پیش از هر چیزی مسلمان هستند. مسلمان بودن در پاکستان یک رسالت دینی است تا جزئی از فرهنگ ملی، ملیت پاکستان همان مسلمان بودن پاکستانی است. اینجا تمام ارزش ها از اسلام بر می خیزد و حساسیت های مردم بیشتر در قالب های مذهبی تبارز می کنند. بر این اساس تفرقه، مذهبی در پاکستان با سنگ بناهای موجودیت این کشور قناس پیدا می کند.

پاکستان، جامعه شدیداً اسلامی، مذهبی با یک حکومت نسبتاً سکولر به پیش آمده است. حکومت سکولر، نه یعنی غیر مذهبی بودن دست اندرکاران حکومتی که بیشتر یعنی حکومت در غیر قالب های سنت خلافت دینی و توجیه مذهبی سیاست در کشور. این یک ضرورت و اکنون نیز این ضرورت مطرح است. حساسیت های مذهبی در پاکستان، حکومتی را ایجاب می کند که تحمل پذیری مذهبی را در خود داشته باشد. و این تحمل پذیری در حکومت مذهبی، کمتر دیده می شود.

پاکستان در مرحله آغازین دموکراسی است. دموکراسی هنوز هم در این کشور با خورشت های سیاسی و فرقه ای تهدید می شود. دموکراسی در پاکستان یک دموکراسی نخبگان است و عامه مردم کمتر می توانند از آن بهره ای داشته باشند. برای گسترش پایه های دموکراسی و سهم ساختن مردم در آن، به عدالت اجتماعی احتیاج است که شکافهای اجتماعی را نابود سازد. تا زمانی که در دیوار بلند یک متمول، جماعت کثیری در میان خیمه کهنه زاده می شوند و می میرند، دموکراسی همچنان محدود می ماند. چون دموکراسی برای گسترش خود، به اراده آزاد



ماتم شمشاد

آسمان مردم آواره ما دریدر است
آتش ظلمت ارباب جفا شعله ور است
نه ز سنبل اثری و نه ز ریحان خبر است
شهر و ده درخون اولاد وطن غوطه ور است
ماتم فصل جوانگری نسل بشر است

به جهان آتش بیداد چه بیداد کند
ظلم و کشتار و چپاول عدم ایجاد کند
بیلان ناله کنان ماتم شمشاد کند
تن جدا شاخه جدا ناله و فریاد کند
وطن! بلبل آواره تو نوحه گر است

صلح یک واژه گنگ است و معماست کنون
کفتر صلح و صفا رفته زغن گشته فزون
دل اولاد وطن گشته پر از ناله و خون
حاهلان صاحب منصب، علما زار و زبون
با خرد کیست کنون؟ آنکه فزون بی خبر است

عقل تصویر خیالی است اثر نیست از او
عشق مُرده است در این بیشه ثمر نیست از او
علم مرغیست که یک ذره خبر نیست از او
وطنم سوخته یک شاخ شجر نیست از او
با هنر مُرده ز غم بی هنران با هنر است

آسمان وطنم تیره و تار است کنون
صلح و آرامی ز غم با په فرار است کنون
گلستان وطنم خانه خار است کنون
بی گل و نسترن و جوش بهار است کنون
مرغ آواره دل خسته و بی پال و پر است

سنگ چقماق که در پنجه اغیار رسید
آتش ظلمت و غم در دل احرار رسید
تا که سرمایه اغیار پی کار رسید
آبدات وطنم بر سر بازار رسید
صلح خواهان چقدر ظلم طلب فتنه گر است

بار الها چقدر توهین و تحقیر شدیم
زخمی حرق بدو کشته صد تیر شدیم
بسته ظلمت زولانه و زنجیر شدیم
در جوانی به خدا از غم دل پیر شدیم
ای خدا! کشور ما، عزت ما در خطر است

باز شد فصل بهاران خوشی آغاز نشد
رهی از راه وفا بر روی ما باز نشد
بلبل زخمی دل عاشق پرواز نشد
«ناصرا» با تو کسی یاور و همراه نشد
باز این ابر سیه یاور چشمان تر است

محمد ناصر ناصر - 5.6.97

آینه سیر

سوز و ساز و درد و داغ از آسیاست
هم شراب و هم ایاغ از آسیاست
عشق را ما دلبری آموختیم
شیوه آدم گری آموختیم
هم هنر هم دین ز خاک خاور است
اشک گردون خاک پاک خاور است
وانمودیم آنچه بود اندر حجاب
آفتاب از ما و ما از آفتاب
هر صدف را گوهر از نیشان ماست
شوکت هر بحر از طوفان ماست
روح خود در سوز بلبل دیده ایم
خون آدم در رگ گل دیده ایم
فکر ما جویای اسرار وجود

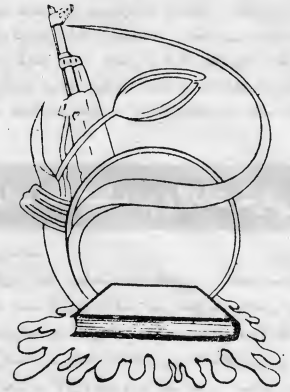
زد نخستین زخمه بر تار وجود
داشتیم اندر میان سینه داغ
بر سر راهی نهادیم این چراغ
ای امین دولت تهذیب و دین
آن ید بیضا برار از آستین
خیز و از کار اُم بکشا گره
نشئه افرونگ را از سر بنه
نقشی از جمعیت خاور فگن
و استان خود را ز چنگ اهرمن
«علامه اقبال لاهوری»

همت آتش

بر باغ وطن سرو صنوبر ماییم
آزاده و منصور و مظفر ماییم
پروانه صفت همت آتش داریم
آلله خونجامه سنگر ماییم

شمشیر خطر

ماییم سحرنامه پایانی شب
خورشید ظفر بردل ظلمانی شب
از بس که به شمشیر خطر بوسه زدیم
بشکست طلسم غول شیطانی شب
۱۳۶/۵/۲۵



«فرمانده شهید، ابوذر غزنوی»

ای شهید

با گذشت زمان هر چیز فراموش می شود و از یاد می رود!
ولی چهره، آغشته به خون تو، هرگز فراموش نمی گردد و
هیچگاه از یاد من نمی رود!
آری، هرچند روزها از پی هم بگذرند، هرچند شب ها به دنبال هم
سپری شوند و از یاد روند؛ بازهم، بازهم آغشته به خون
تو از نظرم محو نمی گردد و در خاطر من زنده است!
ای شهید! ای شهید به خون خفته!

اگر به این گفته هایم باور نداری؛ و اگر این سخنانم را دروغ می
پنداری؛ پس بگذار، بگذار تا برده جدایی را کنار زنم، حجاب
قراق را پاره نمایم، حایل مرگ و زندگی را از هم بدرم و به تو
نزدیک شوم!

نزدیک شوم و سرت را روی سینه ام بگذارم.
تا ببینی که قلب من در آرزوی چه کسی می پییده است؟!
نزدیک شوم و روحم را با روح پیونده دهم؛ تا ببینی که روح من
شیفته، عشق چه شخصی بوده است؟!
نزدیک شوم و چشمانم را روی چشمانت قرار دهم، تا ببینی که
در نگاهم چهره، آغشته به خون کی نقش بسته است؟!
به مناسبت شهادت برادر مولوی حبیب الرحمن، بدست دُخیمان
داودی.

«اواخر تابستان ۱۳۵۶ - غزنی»

«* بهمن»



ازین باغ

امروز ازین لانه شرر می گذرد
امروز ازین باغ تبر می گذرد
امروز ازین چشم، ازین حیرت محض
دریا دریا خون جگر می گذرد
یک لشکر داس با شبیخون تگورک
زین مزرعه یک بار دیگر می گذرد
ظلمی که نرفت بر سر قوم یهود
اینجا به سر اهل هنر می گذرد
هر کس که چرا گفت و خموشی نگزید
خونین دهن و خاک به سر می گذرد
از کوچه ما هنوز با حجم درشت
انسان زمانه ی حجر می گذرد
«بهمن» سفر سبز تو امروز دریغ
در هر قدم از چاه خطر می گذرد

— داستانهایی «آسوی پل آن سوی دریا و نازی جان همدم من» به شرح روابط عاشقانه بی میبزداند که رمانتیک و احساساتی آید. اما برداشتهای فرویدی ندارند و مستهجن و منقطع نیستند. داستانهایی که گفت و گوهایی زنده و جاندار آن کرکر ساز بوده و فضاآفرینی نیرومندی دارند. در این داستانها صدای دوست داشتنی واقعی به گوش میرسد. و حدیث نفس تغزلی و گیرا از عشقهای به شکست انجامیده استند.

احساسات ضد جنگ در ولایات شرقی ...

بدست آورده اند.

طالبان در کنار شکست های نظامی، در صحنه سیاسی نیز هیچگونه دست آوردی نداشته است. حکومت طالبان در کابل تاکنون مقبولیت بین المللی کسب نکرده است و اصولاً طالبان در کابل نتوانسته اند یک اداره حکومتی ولو ناقص بوجود آورند. آنچه که فعلاً در کابل وجود دارد فقط اسم بی مسامی است که حتی شباهتی هم به یک اداره حکومتی نمی رسد. آنانیکه به مقامات عالی گماشته شده اند، حتی سواد خواندن و نوشتن کامل را ندارند. این وضعیت مردم هوادار طالبان را دچار یأس و سرخوردگی نموده، احساس می کنند که قربانی هایشان بیهوده است.

قرار گزارش روزنامه سهار در شماره روز دوشنبه هفته گذشته، مردم خوگیا نی ولایت ننگرهار از رفتن به جنگ همراه طالبان خودداری کردند. این انکار روزی زمانی حالت عمومی و علنی بخود گرفت که مردم جسدهای مرده جوانان خود را از طالبان تحویل گرفتند. این جسد ها توسط طیاره به جلال آباد انتقال داده شده بود.

طبق گزارش روزنامه سهار در روزهای بعد نیز چندین موتر فلانینگ کوچ گلو از جنازه به جلال آباد آمده و باعث انزجار بیشتر مردم گردیده است.

همچنین روزنامه سهار در شماره روز یکشنبه خود از بغاوت مردم سرخورد و شینوار ولایت ننگرهار خبر داد. روزنامه علاوه می کند که با کشف این بغاوت، طالبان تعداد بیست نفر مظنون را دستگیر نموده و تعداد دیگر از ترس گرفتار شدن فرار نموده اند.

افراد مطلع، اوضاع ولایات شرقی را برای طالبان نگران کننده، توصیف می کنند و چنین پیش بینی می کنند که با تصرف کابل از سوی جبهه متحد نجات، ولایات شرقی اولین ولایات پشتون نشین خواهد بود که طالبان را از آنجا بیرون برانند.

پاکستان پس از ...

کشور را به پیش می برد. بر این اساس پاکستان سنگ بناهای قبلی را ویران می سازد و این می تواند ضایعات زیادی را هم برای پاکستان و هم برای افغانستان ببار آورد. جدا از اینکه پاکستان در افغانستان عملاً چه می کند تصور بیرونی این است که پاکستان مصروف خراب کردن آن ساخت هایش که در طول جهاد افغانستان بوجود آورده، از لحاظ سیاسی این یک شکست بحساب می آید.

با وجود همه این ها یک واقعیتی جدیدی در حکومت نواز شریف رونما گردیده، از سخنان نواز شریف در روز جشن استقلال پیداست که بخوبی متوجه اوضاع داخلی پاکستان است. او در عین اینکه از انکشاف نامتعادل اقتصادی و شکاف های اجتماعی گلایه دارد، امید به آینده را به مردم نوید می دهد.

نواز شریف نشان می دهد که آماده مقابله با فرقه گرای خشونت آمیز است. تروریسم مذهبی باید از بین برود. تحمل پذیری مذهبی جایگزین تعصبات غیر معقول مذهبی گردد. عدالت اجتماعی در جامعه اعاده و مصرف گرای های خود خواهانه نابود گردد. این ها مسایلی هستند که در پیش روی حکومت نواز شریف قرار دارد و از همه مهمتر قضیه افغانستان است که مستقیماً روی سیاست های اجتماعی حکومت پاکستان اثر می گذارد. نشانه این وجود دارد که پاکستان می خواهد قضیه افغانستان از پیش پایش برداشته شود. و این در صورتی می تواند محقق شود که حکومت پاکستان به موجودیت یک حکومت دوست در افغانستان اکتفا نماید.

میسازد.

— دسته دیگری از داستانهایی نویسنده را آثار طنز گونه و هنری تشکیل میدهد. گرچه در قدرت شوخی این آثار نویسنده جای انکار نیست. اما نویسنده در بعضی از این داستانها روی هردلی که بوده نگاه از بالا به زندگی تیره بختان مباداند و میگوید تا به هر قیمتی که شده از یک موضوع برداشت شوخ داشته باشد. نبی قهرمان داستان «از بیخ پته» آدمی است کنده شده از روستا و سرگردان در شهر و بازار. آدمی که در خانه با دار بازیچه شده مضحکه به پامیکند. ماجرای داستان از بیخ پته بیشتر در یک مهمانی میگذرد. مهمانان آدمهایی اند، اصل و نسب دار. بریده از جامعه و سوار بر گرده مردم. و در مرداب مود و فیشن و مصرف زده گی و رسومات غرب و الکل و غیره غرق. آدمهایی که به تباهی شان آگاهی ندارند و مظهر کاملی از خورده و خواب و خشم و شهوت اند.

داستانهای «نقطه نیرنگی، مغز متفکر خانواد، دشمن مرغابی، دورنما» بیشتر به جامعه دانشجویی و درس خواندگان و روشنفکران وابسته به رژیم وقت میبازند. کسانی که سالیانی زیادی از عمرشان را در کالج های مختلف دیار غرب به تحصیل سپری کرده اند و نشان میدهد که فلسفه ها و خیالات آنان نتیجه آسودگی خیال و راحت طبیی و بی درد سیردن زندگی شان است. نویسنده در پاره یی از این داستانها ابتذال زندگی آدمها و زرنکهای اشتغالات و حسابگرایی و احتیاطهای آنان را باز میگوید. اما گزارشهایی که ارائه میشود بیشتر جنبه کاریکاتوری دارند و بدبینانه اند و در بهترین حالات نویسنده در این آثار چون فاضلی سرخورد در خود فرو میرود و بر حال جماعت خویش افسوس میخورد. طنز نویسنده کمتر بعد از انسانی خواننده را بیدار میکند و با به کسانی که مریجه های این فقر و بد بختی و ابتذال و جهل را فراهم کرده میبازد. طنز اکرم عثمان شیرین و بیرونی و خوشبینانه است و اعمام را نشان نمیدهد. در برخی از این داستانها با این که آدمها و حوادث به ظاهر واقعی هستند، اما آن چنان درگیر موقعیتهای تصادفی و غیر محتمل میشوند که فضای داستان غیر واقعی میشود. در بعضی از این آثار عامل علیت در زیر و بم داستانها و فراز و نشیب حوادث سهم تا چیزی دارد. و با وجود اصرار و کوشش نویسنده در حادثه آفرینی و توطئه چینی و با تمام تند و تیزی زبان و با وجود شخصیت زنده و ملموسی که گاه این جا و آن جا پهنه میشاناند، بازهم طنز داستانها از ظرافت لازم بهره ندارند و انسان را به تفکر و تامل و افیاداند و در نتیجه خواننده را دچار تحری اعصابی و درونی فکساز و به نفعی ابتذال و انحطاط اجتماعی فیهربازد و فقط سرگرم کننده و تسلی بخش است. گاهی میخوانند اما این خنده در در تشدید نکرده و پیروزی را نزدیک نمیکند.

در بعضی از آثار آقای عثمان مزدوران و اعضای لایه های پایین اجتماع نه تنها هیچ مخالفتی با وضع خود ندارند، بلکه با خوشی و رضایت و با تسلیم به خواسته های با دار و بده و بستانها فادان نجابت روحی میشوند که میتوانستند همدردی خواننده را نسبت به خود جلب کنند و بر پاره یی از این آثار، با داران خود را محق میدانند تا دختر و پسر و زن مزدور را بفریبند و با تصرف بیرونی روابطی پورته اجتماعی گرای نویسنده فرو میریزد و اعتقاد وی به تمایز اجتماعی نمایان میشود. مردان و زنان ثروتمند داستانها حق دارند که مزدوران شان را تحقیر کنند و بفریبند و طرف هم میبیزند و جز این نمیتواند باشد. پس راضی اند. پس خلاص. گاهی نویسنده از همان آغاز همه چیز را از پشت عینک تیره و سیاه میبیند. شاه کرور زن مدیر شوکت خان در داستان، «آن بالا و این پایین» چنگر، پتیاره و لچرو لجباز و کرمی و غیبتگر و کینه توز و پرقعده» توصیف میشود و رقص با به علم آشیزد داستان فرق و هروسر پسرش ... به رقص خرسی میبازد. ... لاا صغر در گورمفت و در بخل و خست و احتکار و گرانفروشی و ریاخواری سر آمد روز گار» توصیف میشود. داستانی که تقلید کمرنگی از خمیس مولیراست.

در این داستانها از ایجاز و فراز و فرود و بحرانا و گرمکشی های داستانی خبری نیست و با کمتر هست و درعوض پرگویی و بکنواختی ملال آوری که گهگاهی دل آزار است، همه جا به چشم میخورد. گاهی اکرام عثمان در این داستانها راه و روش و تکنیک محمد علی جمال زاده نویسنده ایرانی را دنبال میکند.

عبدالمنان خان شخصیت داستان «میان راه» در دوران جوانی آرزو هاداشته و خیالها در سر پروراند است. اما وقتی به موقعیت متداول و سیاست معطر تن داده و وسوسه پول و وکالت و سفارت حساسیتهای دیرینش را زایل میکند و اسیر ماری میگردد. زنی که به سان زیبایی حجازی عمل میکند. چند سالی شوهر را به همه چیز میبازد و عاقبت در فرصتی لازم و مناسب همه چیز را از دستش میریابد و عبدالمنان را تک و تنها بی همه چیز میگذارد.

«سوال حتمی» شفق پیرانه سری است که به رسوای میبازد و داستان انباشته از گفت و گوه و شرح و تفصیل هایی از این دست است.



اکرم عثمان، پیشرو ادبیات فولکلوریک

اکرم عثمان در دهه چهل در عرصه داستان نویسی قدم گذاشت. به زودی در محافل فرهنگی و مطبوعاتی راه گشود و با آواز گیرا و بیان رسایش در اذهان نسل جوان رخنه کرد. سپس آثارش را تحویل طبقه متوسط و صاحبان اندیشه های معتدل داد و در دهه پنجاه در شمار یکی از پرخواننده ترین نویسندگان کشور در آمد. موفقیتی که کم و بیش ادامه دارد و خواننده گانش هنوز از چاپ مکرر داستانهای او استقبال میکنند.

اکرم عثمان در سال ۱۹۳۷ میلادی در هرات زاده شده و از فارغان رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل و تهران است. سبک و سیاق نویسنده را در میان آثارش میتوان به چند بخش مرزبندی کرد:

— بخشی از آثار اکرم عثمان داستانهایی اند در بر گیرنده خاطرات کودکی و نوجوانی نویسنده. اکرم عثمان در این آثار دوران کودکی خود را به صورتی دل انگیز و رمانتیک به تصویر کشیده و چاره ملال امروز را در ساده گی و صمیمیت زلال کودکیانه میجوید. اما ترفیق نویسنده در پرداخت بدیعی این واقعیهایی کوچک چشمگیر نبوده و قادر به گسترش و وسیع مضمون آثار خویش در زندگی و در چهار چوب هنر نگردیده است. گاهی شخصیت کودک داستان، جهان را با چشم و درک کودکانه نمی نگرد و همه چیز از صافی ذهن کودک نمیکند. اما در پاره یی از گفت و گوه، ذهن کودک فعال میگردد و خواننده را وامیدارد تا ناظر و شاهد ماجراها باشد و جهان پیرامون را با درک بیرواست و عینی بنگرده من و پهلوان برات» ساختن بیشتر این دسته از داستانها سست بوده و از خلایق هنری بهره چندانی ندارند و از بازی با کلمات احساساتی، مطنطن و گاه شاعرانه آسیب دیده اند.

نویسنده گاه خاطره ها با اندیشه هایی را میگیرد و با شاخ و برگ دادن به آنها چنان گزارشهایی از زندگی به دست میدهد که طرح و ماجرا و اوجی و در کار نیست شخصیت یا شخصیهایی به معنای واقعی آن زندگی نمیکند. چند تایی از آنها را به عنوان نقل یا پارچه های ادبی، اجتماعی میتوان پذیرفت. اما داستان کوتاه نیستند... با کمتر هستند و به همین سبب ارزش نسبی دارند و زندانی دشت، حسن غمشک، بنای باد» در این داستانها نویسنده به خاطر آفریدن قهرمانان رمانتیک و به دور از زندگی عرف چندانی نمیزد و کمبود هنر خویش را با کار برد واژه های رنگارنگ و لفاظیهای آهنگین جبران میکند. این داستانها نوعی ذوق آزمایی ادبی از جانب نویسنده جواری نام است که میگوید بازوای های آهنگین و نثری شعر گونه به وصف زندگی و زیبایی غزل سراپی کند. اما توجه بیش از حد به خود غنای راه و رسم و کم لطفی به ساختار و ساختمان داستان، اثر را از پای بست و بران میسازد. این آثار بیشتر به نقش پرند به آذین و پاره یی از قطعات حجازی نویسندگان ایرانی میبازند.

— نویسنده در داستانهای درو یوار و عقاب نابینا به موضوعهای اجتماعی رومی آورد. اما در این آثار هم زبان نویسنده تصنعی خود نمایان دارد و گرایش آدمهای داستانی از وضعیت اجتماعی و روحی آنها و کنش داستان ناشی نمیشود. با کمتر میشود و در عوض نویسنده به جای همه حرف میزند و گاه پرگویی میکند. نویسنده در داستان درو دیوار مقدمات کار را خوب فراهم میکند. معرفی اولیه آدمها را هم انجام میدهد و زمینه و بستر وقایع را آماده میگرداند. اما خیلی سریع همه را جمع میکند و با بی حوصله گی و شتاب زده گی پیام امیدوارانه بی صادر کرده هایش را از بار داستان سبک

سازمان ملل و مشکلات صلح افغانستان

بیش از یکسال است که آقای دکتر نوربرت هول، نماینده خاص ملل متحد در امور افغانستان، پیام صلح این سازمان را در افغانستان به همراه آورده است. نوربرت هول مأموریت خویش را با این گفته، آغاز کرد که وی طرح مشخصی برای صلح افغانستان ندارد. ولی پس از گفتگو و مذاکره با رهبران گروههای درگیر در معضله افغانستان، با تکیه به نقطه نظرات آنها، طرح صلح جامع و قابل قبول برای همه اطراف درگیر را ارائه خواهد داد. با گذشت یک سال و اندی از مأموریت نوربرت هول نه تنها کدام توفیقی در جهت صلح افغانستان بدست نیامد، بلکه طرح مشخص و روشنی هم از سوی نماینده ملل متحد برای حل بحران افغانستان ارائه نگردید. به رغم چندین دور گفتگو با رهبران گروههای افغانستان، فعلاً دکتر هول درست در نقطه ای فرازدار که از آنها مأموریت خویش را آغاز کرد. دکتر هول تا هنوز بدینال نقطه مشترکی می گردد که بر مبنای آن طرح صلح خویش را استوار سازد. شاید انتخاب لحد ابراهیمی دیپلمات الجزایری بعنوان نماینده جدید از سوی کوفی عنان سرمنشی ملل متحد را بتوان بعنوان یک اعتراف ضمنی به شکست نقش نوربرت هول در حل بحران افغانستان تلقی نمود. هرچند نقش وی موثقی خوانده شده، ولی همین مقدار نیز برای زیر سوال بردن نقش نوربرت هول و عدم توانایی وی در انجام موفقیات آمیز مأموریت کافی است، چرا نوربرت هول در انجام مأموریت خود ناکام مانده است؟ مشکل اساسی که مانع توفیق نوربرت هول می شود چیست؟

غیر قابل پاور است که بگویم دکتر هول شناخت کافی و دقیق از اوضاع سیاسی و نظامی و جبهه بندی های اجتماعی این کشور نداشته باشد. مشکل اصلی در

برابر مأموریت نوربرت هول، مسأله شناخت و عدم شناخت نیست. بدون شک یک سال انجام مأموریت وی را با تمامی زوایا و ابعاد بحران افغانستان آشنا کرده است. همچنین مشکل اصلی نوربرت هول نداشتن طرح مشخص برای اتمام مأموریت نیست و وی را به کوبیدن مشت در تاریکی متهم نمود. هرچند هر حرکتی باید بر یک طرحی مبتنی باشد، در غیرآشورت این حرکت به انجام نمی رسد، ولی مشکل اصلی در برابر تلاشهای صلح نوربرت هول این مسئله نیست، بلکه مشکل اساسی و عمده، موجودیت عواملی است که هم در آغاز بحران افغانستان و هم در تشدید آن نقش زیربنایی داشته و تا هنوز به قوت خود باقی است. با موجودیت این عوامل و لو طرح جامع و منطقی هم در میان باشد، هرگونه امکان موفقیات منتفی است، در یک چنین شرایط آنچه حتمی و ضروری است، برخورد منطقی و جدی و مقابله با عواملی است که در زیربنای بحران قرار گرفته است، چیزی که سکوت و سامحه در برابر آن، یکی از عوامل عمده شکست مأموریت دکتر هول و تلاش های صلح سازمان ملل به شمار می رود.

همگان نمی دانند که بحران افغانستان هم ریشه داخلی دارد و هم ریشه خارجی. ملت مسلمان افغانستان در اوضاع و بحران خارجی در واقع قربانی دو خصوصیت داخلی و خارجی گردیده است، در بعد داخلی مفکوره انحصار قدرت سیاسی را پس معارف عام و ایدئولوژیک در رأس همه عوامل بحران قرار دارد، آشتی ناپذیری و عدم تقاضای سیاسی در میان جبهه های مختلف سیاسی و نظامی و اجتماعی کشور، مبتنی بر همین مفکوره انحصار قدرت است. این مفکوره، تنش و بحران افغانستان را تا سرحد قتل عام، غارت، چپاول، جنگ های نژادی، تصفیه قومی و محکومیت میلیونها انسان به قتل و مرگ، بالا برده و در عین حال هرنوع حرکت صلحجویانه را در این کشور موجه با بن بست نموده است، آنچه در سطح ملی مانع عمده استقرار صلح در افغانستان و آشتی در میان جبهه های مختلف سیاسی و نظامی این کشور گردیده، انحصار حزبی و قومی و سیاست های سکتاریستی و نژادی است.

این سیاست همانگونه که در سطح ملی بحران آفرین و تشنج را بوده، در سطح بین المللی و در بعد خارجی تحولات افغانستان نیز یگانه عامل و زمینه ساز مداخلات و سرمایه گذاری کشورهای خارجی بوده است. زیرا انحصار قدرت به شترانه نیرومند اقتصادی نیازمند است که جز از طریق سرمایه گذاری خارجی میسر نیست، هرگز برای اینکه بتوانند موجودیت سیاسی خود را در جریان جنگ برای انحصار قدرت حفظ نمایند، ناگزیر است که به یک منبع بیرونی اقتصادی تکیه نمایند تا ماشین جنگی خود را برای حذف رقبای سیاسی مدعی قدرت و حفظ انحصار سیاسی متحرک و فعال، مؤثر و کارساز نگهدارند.

درست در همین نقطه است که بازار رقابت های خشن بین المللی در افغانستان گرم شده و هر کشوری می کوشد از طریق سپهرت و نفوذ یکی از گروههای درگیر در افغانستان، با کشورهای دیگر رقابت نماید. متأسفانه اگر اوضاع و جریانات کشور خود را دقیق مطالعه نایم شدت بحران کشور خود را زمانی می یابیم که مداخلات خارجی بیشتر گردیده است، تصادم منافع قدرتهای خارجی واقعیت انکار ناپذیر است، هند و پاکستان، امریکا و ایران و عربستان، کشورهای آسیای میانه و روسیه هر کدام مطالبات، منافع و نگرانی های خاص خویش را در مورد افغانستان دارند، پاکستان، عربستان و احتمالاً امریکا از طالبان حمایت می کنند، در مقابل، ایران، هندوستان، روسیه و بیشتر کشورهای آسیای میانه با اتخاذ استراتژیی واحد در قبال افغانستان از مخالفین طالبان حمایت می نمایند، ایران و پاکستان سیاست های خاص خود را در قبال افغانستان تعقیب و پیگیری می نمایند. آنچه بصورت قاطع و صریح در این مرحله از سیاست های ایران مطرح است، حمایت از مخالفین طالبان به ویژه حکومت در حال تبعید آقای ربانی است، از نظر ایران تنها حکومتی که رسمیت دارد، دولت آقای ربانی است، آنچه درسیاست ایران غیر قابل تحمل تلقی می شود، گروه طالبان است، طالبان از دید ایران بدون تردید ساخته و پرداخته مخالف پاکستانی است. ایران نگران این است که طالبان بصورت غیر مستقیم حامل سیاست های امریکا و عربستان در جوار ایران است و این امری است که مخالف با منافع ملی آن کشور تعبیر و تفسیر می گردد.

در مقابل، پاکستان از دولت طالبان حمایت می کند. پیروزی طالبان در کابل و شکست نیروهای احمدشاه مسعود در این شهر، از سوی مقامات پاکستان به گرمی استقبال گردید. پس از فتح موثقی شمال افغانستان توسط طالبان، تلاشهای جدی و شبانه روزی را روی دست گرفت، مطابق باور ناظرین سیاسی و ادعاهای مخالفین طالبان، کشور پاکستان برای حمایت از طالبان تا سرحد کمک نظامی و اعزام قوای مسلح به افغانستان پیش رفته و این روند در طی چند ماه اخیر رو به رشد بوده است.

درست در همین نقطه رقابت ایران و عربستان نیز شروع می شود، عربستان دومین کشوری است که حکومت گروه طالبان را به رسمیت شناخت، دولت عربستان از جمله کشورهایی است که به حمایت مالی از گروه طالبان متهم است. عربستان در رقابت سیاسی و مذهبی با جمهوری اسلامی ایران، در تلاش است تا از طریق حمایت طالبان و تثبیت موقعیت آنها در افغانستان، حوزه عملکرد جمهوری اسلامی ایران را محدود نماید. گروه طالبان تنها گروهی است که این امکان را برای عربستان میسر می سازد. گفته می شود امریکا نیز در خطر رقابت با جمهوری اسلامی ایران از طالبان حمایت اقتصادی نموده است؛ تا از این طریق محاصره ایران را نتواند از حوزه نفوذ این کشور را در محدود نماید، هرچند شواهدی در دست است که در سیاست امریکا در مورد حمایت از طالبان تبدیلاتی

برجود آمده است.

گفته آرزوهای ایران و پاکستان، عربستان و ایران کشورها و گروههای خارجی دیگری هم هستند که به نحوی از انحاء حضور خود را در بحران افغانستان نشان داده و از دور دستی درآین آتش داشته اند. روسیه یکی از کشورهایی است که بنا به دلایل خاصی در این معرکه دخیل است، منافعی را که روسیه در افغانستان جستجو می کند، مقابله با خطرات احتمالی گسترش بنیادگرایی از نوع طالبان در کشورهای تحت نفوذ و مرز با روسیه است. به همین ترتیب هندوستان نیز با معضله افغانستان علاقه می گیرد تا حساب های خویش را با پاکستان در خصوص قضیه کشمیر در افغانستان تسویه نماید. هندوستان هیچ نفعی در افغانستان ندارد به جز اینکه می خواهد از طریق حمایت مخالفین طالبان فشار را بر طالبان و پاکستان بیشتر نموده و در نتیجه از فشار پاکستان در ماجرای کشمیر بکاهد. احتمال زیادی وجود دارد که رقابت شرکتهای نفتی یونوکال و بریداس برای کشیدن خط لوله گاز ترکمنستان از طریق افغانستان نیز بحران افغانستان را متأثر کرده باشد. گذشت زمان نشان خواهد داد که دستهای دیگری نیز در دامن زدن به بحران افغانستان دخیل اند. از بیان فوق به خوبی روشن می شود که چگونه قدرت های خارجی دخیل در بحران افغانستان در تداوم و تشدید این بحران نقش بازی کرده اند.

دیدار رئیس شورای عالی نظارت و جمعی از قوماندانان ولایت پروان با مقام معظم رهبری

روز یکشنبه هفته گذشته، حضرت آیه ا ... صادقی پروانی و جمعی از قوماندانان دلیر ولایت پروان بشمول دگر جنرال الحاج امینی، قوماندانان ۹۶، محترم حاجی قهرمان، پهلوان ابراهیم، دگر جنرال پهلوان حر و جمعی دیگر از قوماندانان خطه قهرمان پورو ترکمن، با حضور در مقر مرکزی حزب وحدت اسلامی با مقام معظم رهبری دیدار نمودند.

قرار گزارش راصله از بامیان بامستان، در این دیدار ابتدا آیه ا ... صادقی پروانی، با تبریک پیروزی های اخیر نیروهای حزب وحدت اسلامی، گزارش مفصل از وضعیت شیخ علی و ترکمن به حضور مقام رهبری تقدیم نموده سیاست های مرکزی حزب وحدت اسلامی را راجع به تحولات اخیر کشور، مایه افتخار و قدردانی دانست.

آنگاه استاد خلیلی، با ابراز خرسندی از ملاقات با ریاست شورای عالی نظارت و ترسانان ولایت پروان از مقاومت مردم ترکمن در برابر نیروهای مهاجم طالبان تحلیل بعمل آورد.

رهبری حزب وحدت اسلامی با ستایش از نقش مؤثر آیه ا ... پروانی در به ثمر رساندن مقاومت مدافعین شیخ علی و ترکمن، از جانب شورای مرکزی و مردم هزارستان، از رئیس شورای عالی

نظارت بخاطر زحمات و مقاومت شان سپاسگذاری نمودند.

دبیر کل حزب وحدت با گرمی داشت تلاشهای مجاهدین و قامی قوماندانان خط دفاع، اظهار داشتند خدا را سپاسگذاریم که همچین تنگ نبوشان سریند و قهرمان داریم که از عزت مردم خود درمنازه دفاع می کنند. تا زمانیکه این روحیه و تصمیم برای قوماندانان و سترگداران ما وجود دارد، مردم ما در ساحه سیاسی و نظامی شکست ندارند.

طبق این گزارش، قوماندانان حاضر با ارائه گزارش های دقیق از وضعیت جبهات تحت کنترل خود، خواستار هدایت سرقوماندان اعلائی حزب وحدت گردیدند.

نماینده جدید ملل متحد ...

آرا. مردم احترام می گذارند، مردم افغانستان، خواهان صلح و آشتی در کشور شان می باشند. با کلام موازین بخاطر جنگ افزوری عده ای خائینی می توان مردم را از حق داشتن زنده گی امن، محروم نمود.

اگر مردم افغانستان با دستان خالی در برابر تنگداریان بی رحم، خاموش شده اند و کشتار دسته جمعی آنها هیچ صدایی را برپرد نمی آورد، سازمان ملل متحد که هدف از تشکیل آن حفظ صلح در جامعه بشری است، باید به صدای خفه شده این مردم بلا کشیده، گوش فرا دهد و اراده جامعه جهانی را در جهت اعاده صلح و امنیت در این کشور جنگ زده، بکار اندازد.

مردم افغانستان به هیچ وجهی نمی توانند سازمان ملل متحد را در نادیده انگاری درد و رنج آنها، معذور بدارند. سازمان ملل وقتی بخاطر اصرار یک گروه بر جنگ، قربانی شدن مردم را با بی تفاوتی نظاره می کند، مردم افغانستان حق دارند که در مورد ادعاهای این سازمان تشکیک نمایند.

بر این اساس مردم افغانستان، خواستار مداخله جدی ملل متحد در جهت پایان ترانزیتی کشتار انسانی در افغانستان است و نماینده جدید، علاوه براینکه نظرات گروههای سیاسی را به مجمع عمومی منتقل می نماید، براین خواست مشروع و انسانی مردم نیز باید عطف توجه نماید.

ما تعیین نماینده جدید ملل متحد در امور افغانستان را به فال نیک می گیریم و نشانه جدیت این سازمان در حل بحران افغانستان، و از موضع مردم افغانستان، همکاری صادقانه حزب وحدت اسلامی را با مساعی ملل متحد اعلام می داریم. اضافه می کنیم که هر طرحی با محتوی اراده مردم افغانستان، نام آرمان ما را برآورده می سازد. و اگر اراده مردم افغانستان با قربانی حزب وحدت به حاکمیت می رسد، این حزب، حاضر است که خود را قربانی مردم نماید.

نماینده جدید ملل متحد در امور افغانستان وارد اسلام آباد گردید و با مقامات بلند پایه پاکستان گفتگو نمود

آقای الاخضر ابراهیمی، نماینده جدید ملل متحد که در روز جمعه گذشته وارد پاکستان گردید، در ابتدای ورود خود به خبرنگاران گفت: وی در منطقه آمده تا با مقامات پاکستان در رابطه با بحران افغانستان گفتگو نماید، پس از آن وی به افغانستان می رود تا با جناح های دیگر در این کشور گفتگو نماید. ایشان به کشورهای روسیه، ایران و عربستان سعودی نیز سفر خواهد کرد.

قرار گزارش منابع خبری پاکستان آقای الاخضر ابراهیمی روز شنبه هفته جاری با رئیس جمهور پاکستان، فاروق احمد خان لغاری، گوهر ایوب خان وزیر خارجه و شمشاد احمد سکرت وزارت خارجه این کشور ملاقات نمود.

فاروق لغاری در این ملاقات گفت: پاکستان از تلاش های صلح ملل متحد برای بوجود آوردن هماهنگی و توافق بین گروه های رقیب و برگرداندن صلح و ثبات در کشور جنگ زده افغانستان، قویاً پشتیبانی می کند. پاکستان طرفدار پالیسی بی طرفی و عدم مداخله در امور افغانستان است.

رئیس جمهور پاکستان همچنین راجع به تلاش های این کشور برای برقراری یک حکومت وسیع البنیاد و در برگزیده همه گروه های نوادی در افغانستان صحبت نمود.

نماینده مخصوص ملل متحد به تعهد سر منشی ملل متحد برای کمک به مردم افغانستان در حل پراپلم این کشور و تلاش

متمر در برگرداندن صلح دوا مدار در افغانستان اشاره نمود و اظهار امیدواری کرد که تلاش های جدید که توسط ملل متحد انجام می گیرد به نتیجه مثبت منجر گردد. قرار گزارش در این ملاقات، شمشاد احمد سکرت وزارت خارجه، نوریت هول، رئیس هیئت ملل متحد و دیگر مقامات عالی رتبه پاکستان نیز حضور داشتند. در گزارش آمده است: پاکستان و ملل متحد به این تصمیم رسیده اند که تلاش هایی را برای حل صلح آمیز قضیه افغانستان از طریق گفتگو بین گروه های افغان تحت نظر ملل متحد، ادامه بدهند.

نماینده جدید ملل متحد ملاقات جداگانه ای با گوهر ایوب خان، وزیر خارجه پاکستان داشته و در این ملاقات بصورت مشروح روی قضیه افغانستان بحث صورت گرفته است. وزیر خارجه پاکستان در این ملاقات، نماینده ملل متحد را در جریان تمامی تلاش های پاکستان راجع به حل قضیه افغانستان قرار داد و از تماس این کشور با کشورهای همسایه افغانستان و گروه های دیگر این کشور، یاد آوری نمود.

پاکستان قبلاً از دکتر نوریت هول نماینده قبلی ملل متحد شکایت داشت که ایشان در گزارش خود به مجمع ملل متحد از تلاش های پاکستان یاد آوری ننکرده و روی همین جهت تعیین نماینده جدید از سوی سرمنشی ملل متحد با حسن استقبال مقامات پاکستانی روبرو گردید.

و امنیت برای مردم، اکنون مردم کابل را صرف بخاطر روابط قومی و مذهبی شان توقیف می کند. وی گفت اخیراً هزاران تن از هزاره ها و تاجک ها در کابل بدون موجب و دلیل به زندان افکنده شده اند و در شرایط بسیار غیر مساعد و غیر انسانی نگهداری میشوند. راه ها بر روی مردم هزارستان مسدود شده و نقل وانتقال مراد غذایی، طبی و مایحتاج مردم ممنوع قرار داده شده و هزاره ها با تحريم ومحاصره روبرو هستند.

« بروس ترپلینگ » مراعات کشورش را توضیح داده و اظهار داشت که در ارتباط به تخلف از حقوق بشری و حقوق زنان با طالبان مشکل دارد.

دکتر طالب به روز هفت اگست در اداره، صلح در واشنگتن - Unit ed states Istitute of Peace و Marvin Weinbaum همکارانش ملاقات و صحبت نمود. در ارتباط به اوضاع افغانستان، مراعات حزب وحدت و سیاست آمریکا صحبت مفصل صورت گرفت. «دکتر واینباوم» همکارانش از اینکه قضیه افغانستان در سیاست خارجی آمریکا از اولویت برخوردار نیست اظهار تأسف کرده و نظر شان این بود که اخلاقاً آمریکا باید برای ایجاد صلح و بازسازی افغانستان توجه بیشتری داشته باشد.

اگر مبارزه مجاهدین ...

حل گردد. اما طرف مقابل منطق، مذاکره را قبول نکرده، جنگ را تحصیل نمود. و دنیا با تمام نابوری شاهد بود که چگونه طلم شیطانی جنگ افزوزان مغرور و متجاوز در برابر صخره های مقاومت و پایداری مردم رزمندگان شجاع و نشسته حزب وحدت اسلامی افغانستان، خورده شد و طعم تلخ شکست را چشیدند!

امام جمعه بامیان، علت شکست طالبان را کمک و معاونت خداوند و مقاومت و ایستادگی مجاهدین در برابر متجاوزین دانسته گفتند: علت شکست دادن طالبان دو چیز بود: یکی کمک و معاونت خداوند بزرگ و دیگر مقاومت متهوران و شجاعانه، دلیر مردان مجاهد ما که بار دیگر در تاریخ تجاوزات بیگانه به کشور ما، درس تلخ و فراموش ناشدنی را به مداخله گران خارجی و مزدوران داخلی شان داده پرونده ای از شکست و روسیاهی را برای شان تکمیل کرده بیاگذار گذاشتند.

رئیس شورای عالی نظارت حزب وحدت اسلامی افغانستان در خطبه دوم نماز به تشریح اوضاع جاری کشور پرداخته فرمودند: امروز ما و شما

از هیچ چیزی خوف نداشته، رابطه خود را با خدا قوی کرده و اخلاص پیشه نماییم و مطمئن باشیم که خداوند هم ما را یاری می کند. همانطوری که در قضیه، شمال و بخصوص مزار شریف یاری کرد. در ترکمن و شیخلی هم دنیا باور داشت که نیروهای مهاجم طالبان پیروز می شوند ولی کمک های الهی و اراده کامل مردم در پاسداری از حریم حریت و حرمت ملی و انسانی شان، باورها را به شکست و ناکامی نیروهای متجاوز، کاملاً تغییر داد.

امام جمعه بامیان در پایان خطبه های نماز فرمودند: من به کشورهای همسایه توصیه می کنم که با مردم افغانستان رابطه سالم داشته ضمن حفظ سیاست حسن مجاوری، از مداخله در امور داخلی مردم افغانستان جداً اجتناب ورزیده و بیش ازین آتش تشنج و برادر کشی را در این کشور دامن نزنند تا مسئله از راه مسالمت آمیز حل گردد و یک حکومت اسلامی فراگیر همه ملیت های افغانستان در این کشور بوجود آید!

سفارت افغانستان در آمریکا ...

نامعلوم، بسته نمایند. وزارت خارجه آمریکا در پی عمل مسدود ساختن سفارت افغانستان در واشنگتن، تصریح نموده است که فعلاً در افغانستان کدام حکمرانی وجود ندارد. بناً باید کارهای سفارت تعطیل باشد. یک سخنوری وزارت خارجه در این رابطه گفته است که حکومت آمریکا این تصمیم را بخاطر حفظ بی طرفی در قضیه افغانستان، گرفته است و حکومت آمریکا از هیچ گروهی در افغانستان حمایت نمی کند.

گفتنی است که مسدود ساختن سفارت افغانستان در آمریکا، اعتراض هر دو حکومت موازی را در افغانستان برانگیخته است. طالبان طی صدور بیانیه ای این عمل آمریکا را نشانه طرفداری این کشور از مخالفین شان تلقی نموده، آنرا محکوم کرده اند، در مقابل حکومت شمال که تازه کابینه خود را ترمیم می نماید، اقدام حکومت آمریکا را غیر قانونی خوانده است. آنها استدلال می کنند که حکومت ربانی یک حکومت قانونی است و قبلاً حکومت آمریکا آن را به رسمیت شناخته است ولی حکومت طالبان تاکنون بجز از سه کشور پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحد عربی از سوی هیچ کشور دیگری به رسمیت شناخته نشده است. این اقدام آمریکا همگامی با طالبان است. قابل یادآوری است که کنسول افغانستان در شهر نیویورک تا هنوز فعال و در اختیار حکومت شمال می باشد.

در رابطه به آینده ...

براهیمی علامت تغییر در روش سازمان ملل متحد در ارتباط به افغانستان باشد.

دکتر طالب روز ۳۱ ماه جولای در نیویارک با William Wood مشاور سیاسی ارشد نمایندگی دایمی ایالات متحده در ملل متحد ملاقات نموده و اوضاع افغانستان را به وی تشریح کرد. «ویلیام وود» موضع کشورش را که با موضع حزب وحدت نزدیکی زیاد داشت ابراز داشته گفت: مسئله افغانستان راه حل نظامی ندارد و باید از طریق گفت و شنود و با تشکیل حکومتی با قاعده وسیع حل شود. ویلیام وود گفت آمریکا در قضیه افغانستان بیطرف بوده از کدام گروه خاص حمایت نکرده و از پروسه ملل متحد طرفداری می کند.

در واشنگتن دکتر طالب بروز اول اگست با دانا رورباکر، عضو مجلس نمایندگان در مورد اوضاع افغانستان صحبت کرد. روزباکر اظهار داشت که بعد از شکست طالبان در شمال شرایط خوبی برای حل بحران افغانستان پدیدار شده که باید از آن استفاده شود وی گفت راه حل قضیه از طریق تدویر انتخابات می باشد. دکتر طالب مواضع حزب وحدت را توضیح داده و گفت حزب وحدت به حل مسالمت آمیز قضیه و ایجاد یک نظام عادلانه معتقد است که تمام مردم کشور در آن سهم باشند.

دکتر طالب هم چنان بروز چهارم اگست در دفتر «سانتور دایان فایتشتاین» مسئول امور دفتر وی ملاقات داشته و در مورد اوضاع افغانستان در مجموع و مواضع حزب وحدت بصورت خاص توضیحات داد.

دکتر طالب در عین روز در دفتر سازمان عفو بین المللی در واشنگتن با تی کومار T. Kumar مسئول امور آسیا و پاسیفیک صحبت نموده و وضع حقوق بشر را در افغانستان، مواضع حزب وحدت را در ارتباط به حقوق بشر و خاصاً حقوق زنان مورد بحث قرار داد.

دکتر طالب بروز پنجم اگست با مقامات وزارت خارجه از جمله George Pickart ملاقات نموده و در مورد اوضاع سیاسی و نظامی کشور و دیدگاه های حزب وحدت صحبت نمود. دکتر طالب اظهار داشت که حزب وحدت طرفدار صلح در افغانستان بوده و باور دارد که بحران افغانستان راه حل نظامی ندارد. باید تمامی گروه ها

میز مذاکره جمع شده و تلاش نمایند تا راه حلی برای قضیه پیدا نمایند. در شرایط کنونی متأسفانه طالبان اصرار به راه حل نظامی داشته و از هر نوع مذاکره ایامی و رززد. شیری ای سراغ شده که تمام اطراف وادار به مذاکره شوند. در رابطه به آینده، کشور باید شرایطی را پدید آورد که مردم افغانستان تصمیم بگیرند که چه نوع نظامی را می خواهند و تمام مردم افغانستان باید از حقوق برابر و مساوی بر خوردار باشند. حقوق زنان که نصف جامعه افغانستان را تشکیل میدهند باید تأمین گردد.

دکتر طالب در تشریح مواضع حزب وحدت اظهار داشت که این حزب با اتکانه استقلال و تمامیت ارضی کشور در چوکات منافع ملی افغانستان تصمیم میگیرد و باور دارد که ایجاد یک نظام عادلانه که حقوق تمام اقوام و اشرار جامعه، افغانستان در آن رعایت شده و از تبعیض و تبعیضات جلوگیری شود تا بتوان افغانستان را بسوی صلح و ثبات و شگوفانی هدایت نمود.

هم چنان در عین روزی در وزارت خارجه با Bruce neuling مسئول امور حقوق بشری در وزارت خارجه صحبت نموده و در مورد وضعیت حقوق بشری در افغانستان بحث نمود. دکتر طالب گفت در افغانستان مردم هزاره بیش از صد سال است که از تمام حقوق اساسی شان محروم بوده و قربانی تخلفات متعدد و گوناگون قرار گرفته اند. وی گفت اکنون هزاره ها برای استقرار یک نظام عادلانه که در آن تبعیض و نابرابری نبوده و تمام مردم با حقوق مساوی شرکت داشته باشند، مبارزه می کنند، حزب وحدت در افغانستان در رابطه با حقوق زنان اقدامات بسیار مدیرانه و شایسته داشته و تعداد هشت خانم دانشمند و تحصیل کرده را به عضویت شورای مرکزی شامل نموده است. دکتر طالب در ارتباط به وضع ناگوار هزاره ها در کابل اظهار داشت اداره طالبان برخلاف ادعاها و شعارهایش مبنی بر تأمین صلح

کمکهای مادی و معنوی شما، ما را در نشر اندیشه های مردمی تواناتر می سازد.
Bank Al Habib Limited
F.C. Plaza - Sonhari Masjid Road
Peshawar Cantt.
Account No. 16098 - 55

هفته نامه سیاسی، فرهنگی و خبری

امروز ما

زیر نظر شورای نویسندگان

UNIVERSITY TOWN P.O. BOX: 1073

PESHAWAR - PAKISTAN

شماره تلفن: ۴۳۵۶۸

قیمت یک شماره: ۳ روپیه با معادل آن